



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

## «از فقر تا احیاء»:

تاریخ طبقه‌ی کارگر ترکیه و ای. پی. تامپسون

ی. دوغان چتینکایا

ترجمه‌ی: مهرداد امامی



شهریور ۱۳۹۸

## پیش‌گفتار

تا یک دهه پیش، درباره‌ی آثار پژوهشی مرتبط با تاریخ طبقه‌ی کارگر ترکیه از «فقر» [مطالعاتی] صحبت می‌شد<sup>۱</sup>، که این اظهارنظر چندان هم خطا نبود. پژوهش‌هایی که جایگاه‌شان بالاتر از این آثار پژوهشی تکراری است، متأسفانه تا دهه‌ی نخست قرن بیست‌ویکم از انگشتان یک دست هم فراتر نمی‌رفتند. علت اصلی این فقر مطالعاتی عمدتاً دو دلیل اساسی پنداشته می‌شد. دلیل نخست، نابسندگی منابع آرشیوی است؛ چراکه تأکید می‌شد که چه آرشیوهای دولتی و چه آرشیو مطبوعات کثیرالانتشار، هیچ‌یک منابع مناسبی برای شنیدن صدای طبقات فرودست جامعه و بخش‌های اجتماعی نیستند. زیرا این منابع تا حد زیادی از جانب نخبگان ثبت و تنظیم شده بودند. علاوه بر این، ستم‌دیدگان جامعه نیز از خود، منابعی برای رسانیدن صداهایشان به نسل‌های آتی باقی نگذاشته بودند.<sup>۲</sup>

علت دیگری که مطرح می‌شد محدودیت نظری و مفهومی رویکردهای مرتبط با طبقه‌ی کارگر بود.<sup>۳</sup> چرا که مکاتب تاریخ‌نگاری که در بسیاری از موضوعات اختلاف‌نظر و حتی آرای متضادی داشتند، وقتی نوبت به طبقه‌ی کارگر و ستم‌دیدگان می‌رسید اجماع‌نظر پیدا می‌کردند. جهان‌بینی‌های سنتی، ملی‌گرا، کمالیست، لیبرال و اسلام‌گرا که تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند، عموماً نقش مهم فرودستان، به‌ویژه طبقه‌ی کارگر را در تاریخ ترکیه انکار می‌کردند. حتی بخش بزرگی از آثار پژوهشی این حوزه، ورای نقش تاریخی طبقه‌ی کارگر به‌عنوان سوژه، هستی فی‌نفسه‌ی آن را نیز زیر سوال می‌بردند. عدم وجود پژوهشی تاریخی درباره‌ی چیزی که وجود خارجی ندارد نیز نتیجه‌ای طبیعی به نظر می‌رسید. البته در این شرایط، در رابطه با چیستی کارگر و ضرورت شیوه‌ی تعریف آن، پیش‌فرض‌های نظری و مفهومی نقش بسزایی داشتند. جهان‌بینی‌ها و مکاتبی که عمیقاً از یکدیگر متفاوت بودند، در این موضوع اتفاق‌نظر داشتند.

اما به‌رغم این رویکرد موثر در تاریخ‌نگاری، به‌ویژه پس از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۹۹۰، مطالعات و پژوهش‌های مرتبط با طبقه‌ی کارگر و تاریخ آن، احیا شد. اگرچه می‌توان علت‌های متفاوتی برای ظهور این رویکرد در نظر گرفت، اما امروزه با نگاه به گذشته به‌راحتی می‌توان ادعا کرد که این دوره تلاقی ای. پی. تامپسون در جایگاه تاریخ‌نگارِ طبقه‌ی کارگر و نظریه‌پرداز چپ با نسل جدید بود. در واقع، ای. پی. تامپسون خارج از ترکیه تأثیر اصلی خود را مدت‌ها پیش گذاشته بود و موجب احیای مطالعات تاریخ طبقه‌ی کارگر شده بود. پس از سال‌های دهه‌ی ۱۹۶۰، در سطح جهان نسلی از پژوهشگران به‌شدت تحت تأثیر سبک، پرسش‌ها و بررسی‌های نظری تامپسون قرار گرفتند و در عرصه‌ی تاریخ طبقه‌ی کارگر آثار معظمی نگاشته شدند.

هدف این مقاله هم ارزیابی پژوهش‌های نسل جدید در بستر تاریخ‌نگاری است که [کمی هم با اغراق] آن را دوران «احیاء» نامیده‌ام و از سوی دیگر، کوشیده‌ام تأثیرات متأخر ای. پی. تامپسون را نشان دهم.

## تاریخ‌نگاری سنتی و طبقه‌ی کارگر<sup>۴</sup>

عدم تأثیرپذیری روشنفکران و آکادمیسین‌های ترکیه از شخصیتی که در دنیای غرب طوفانی به پا کرده، موضوعی است که ارزش تأمل دارد. زیرا تاریخ‌نگاری ترکیه به‌طور کلی مُدهای بین‌المللی را به‌سرعت اقتباس می‌کرد و اشخاص و گروه‌های مختلف آن همواره سریعاً از نظام‌های فکری هژمونیک تأثیر پذیرفته‌اند. ای. پی. تامپسون به‌جز عرصه‌ی تاریخ هم شخصیت شناخته‌شده‌ای بود. کتاب *تکوین طبقه‌ی کارگر در انگلستان* که سال گذشته پنجاهمین سالگرد انتشارش گرامی داشته شد، در حوزه‌ی خود کتابی پرفروش بود. البته پژوهش‌های تامپسون برای عده‌ای هرچند اندک هم شناخته‌شده بود. اما عدم تأثیرپذیری پژوهش‌های مرتبط با ترکیه از سبک و مباحث تامپسون به این دلیل بود که پژوهش‌گران، پژوهش‌ها و مفاهیم وی را در رابطه با ترکیه و جوامع «شرقی» نامربوط می‌دانستند.

در واقع، آثار پژوهشی مربوط به ترکیه عمدتاً خصلتی دوگانه داشتند. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های تاریخی برای تأکید بر نقش «شخصیت‌های بزرگ» در تاریخ انجام می‌گرفتند: دولت‌مردان، قهرمان‌ها، فرماندهان، رهبران و مانند این‌ها. تاریخ‌نگاری ملی‌گرا و کمالیستی با مرکزیت‌بخشی به درخشش قهرمانان ملی در پی خلق روایتی تاریخی بود. زمانی که مشروعیت‌بخشی به ظهور دولت-ملت تبدیل به دغدغه‌ی اصلی شد، بنیان‌گذاران، احیاگران و اساساً خود دولت نیز مبدل به بازیگر نقش اول شدند. این روایت‌ها که بخش بزرگی از آن‌ها حاوی دلاوری بود در طول زمان با انتقادات تندی مواجه شد. با این حال، مکتب لیبرال که مشخصاً منتقد این مکتب تاریخ‌نگاری ملی‌گرا و محافظه‌کار بود، با توجه به این‌که روایت خود را بر مبنای ضدیت دولت-جامعه بنیان گذاشته بود، تا حد زیادی جامعه را به‌عنوان مجموعه‌ای از خاموش‌شدگان، ستم‌دیدگان و درجاماندگان تصویر می‌کرد. در این شرایط آنچه در اختیار داشتیم، گفتمانی بود که دیگر درخششی نداشت و حتی از آن به بدی نیز یاد می‌شد، اما با این حال باز هم مبنای آن دولت، نخبگان، ارتش و مقتدران بودند. در رویکرد تاریخ‌نگاری لیبرال تجدیدنظرطلب نیز دوباره با گفتمان «جامعه‌ی فاقد امتیاز، فاقد طبقه و درهم‌جوشیده» مواجه بودیم.<sup>۵</sup> به همین دلیل، موضوع بخش عظیمی از پژوهش‌ها حول قوای عظیم یعنی دُول معظم، دولت‌مردان، دگرگونی نهادهای دولتی، اصلاحات و پروژه‌های گسترده ساخته‌وپرداخته می‌شد. البته این خصوصیت فقط مختص ترکیه نبود، بلکه وضعیتی غالب در اکثریت پژوهش‌های شرق‌شناسانه بود.<sup>۶</sup> به علاوه، حوزه‌ی پژوهش‌های شرق‌شناسانه نیز عمدتاً عرصه‌ی تاریخ سیاسی و روشنفکری بود.

علاوه بر این، پژوهش‌های تاریخ اجتماعی یا تاریخ اقتصادی که مشخصاً پس از جنگ جهانی دوم توسعه یافت و در ترکیه هم به‌منزله‌ی نقد تاریخ‌نگاری سنتی پدیدار شد، به‌مثابه گونه‌ای متفاوت، تحول یافت. با این حال، این پژوهش‌های تاریخی اجتماعی-اقتصادی اگرچه در مسئله‌ی مورد نظر ما سهم مهمی داشته‌اند اما کانون تمرکزشان بیشتر بر ساختارهای کلان بود. فراروایت‌های سیاسی جای خود را به روایت دگرگونی‌های ساختاری کلان دادند.<sup>۷</sup> در این نقطه هم جایی برای انسان‌های معمولی و سوژه‌های برابر مثل طبقه‌ی کارگر نبود. این مکتب تاریخ‌نگاری که مشخصاً در چارچوب جهان‌بینی لیبرالی، اثرگذارتر هم شده است، حتی اگر با نام ای. پی.

تامپسون نیز آشنا باشد، با رویکرد خود به دگرگونی‌های طولانی، ساختارهای اقتصادی، تغییرات جمعیتی و تحلیل‌های نظام‌مند، و نیز از پرسش‌های تامپسون و پاسخ‌هایی که به دنبال‌شان بود، فاصله‌ی بسیار زیادی داشت.<sup>۸</sup>

## طبقه‌ی کارگر در تاریخ ترکیه

علاقه به طبقه‌ی کارگر و تاریخ کار در آکادمی، عمدتاً در دورانی احیاء شد که جنبش‌های اجتماعی و سیاسی چپ در اوج بودند. پژوهش‌های انجام‌شده در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بیشتر بر جنبش‌های کارگری و سازمان‌های آنان متمرکز بود. پیش از این زمان نیز پژوهش‌های مرتبط با تاریخ طبقه‌ی کارگر اغلب از سوی تاریخ‌نگاران، روزنامه‌نگاران و فعالان سندیکایی مبتدی انجام می‌گرفت. هر قدر هم این پژوهش‌ها ابتدایی انجام شده‌اند و در حوزه‌های دیگر فاقد تأثیر بوده‌اند، اما از منظر تاریخ طبقه‌ی کارگر اطلاعات بسیار مهمی را از قبیل نخستین مبادرت‌ها برای سازماندهی، اولین سازمان‌ها و شخصیت‌های مهم، ثبت و ضبط کرده است.

برای مثال، حسین آونی (شاندا) در ۱۹۳۵ پژوهشی درباره‌ی موج اعتصاب‌های سال ۱۹۰۸ انجام داد که یکی از مهم‌ترین جنبش‌های کارگری در تاریخ خاورمیانه و بالکان بود.<sup>۹</sup> آونی در این اثر بر وجوه بسیار متفاوت اعتصاب‌های ۱۹۰۸ تأکید داشت: یعنی شکل‌گیری اعتراض‌ها در بخش‌های صنعت و خدمات، کار زنان و کودکان، نقش سرمایه‌ی خارجی، فشار دولت، رویکرد نخبگان سیاسی در قبال کارگران، سازمان‌های کارگرنیان و مانند این‌ها. بعدها لطفی عریشچی در سال ۱۹۵۱ کتابچه‌ای در باب تاریخ طبقه‌ی کارگر ترکیه منتشر کرد.<sup>۱۰</sup> این کتابچه نیز همانند اثر حسین آونی بر ظهور سازمان‌های شغلی و ساختارهای سیاسی در چارچوب مبارزه نیروهای کار تمرکز داشت. در اساس، هر دو نویسنده نیز مبارزات کارگری را در بستر امپراتوری عثمانی و موقعیت نیمه‌استعماری ترکیه بررسی کرده بودند. علاوه بر این دو پژوهش، کمال سولکر در پژوهش خود پیرامون سندیکاها به تاریخ طبقه‌ی کارگر و مبارزات کارگران اشاره کرد.<sup>۱۱</sup> این پژوهش‌های پیش‌گام در اصل با تأکید بر اهمیت موضوع طبقه، جایگاه طبقه‌ی کارگر را در تاریخ ترکیه مجدداً گوشزد کردند و بر نقش آن در تاریخ ترکیه‌ی مدرن پافشاری می‌کردند.

هر چه هم آثار نویسندگان این پژوهش‌های پیش‌گام در روزنامه‌های متداول منتشر شده باشد، اما تأثیر مهمی بر تاریخ‌نگاری نداشتند. با افزایش تحركات سیاسی و اجتماعی، به نظر می‌رسید که در میان آکادمیسین‌های جوان و فعال، احیایی در این رابطه شروع شده است. در این شرایط می‌توان از درخشش دو پژوهش مهم یاد کرد. نخست، نسخه‌ی تکمیل‌شده‌ی پژوهش قدیمی کمال سولکر<sup>۱۲</sup> و دومی نیز پژوهش اوپا سنجر (بایدار) بود که با تفصیل و عمق بی‌همتایی جنبش کارگری و سازمان‌های آن را بررسی کرد. این پژوهش اگرچه در زمان خود با توجه به جوّ سرکوب سیاسی منجر به اخذ درجه‌ی دکتری برای سنجر نشد اما مبتنی بر منابع دست اول بسیار

گسترده‌ای بود.<sup>۱۳</sup> حلقه‌های ملی‌گرا و محافظه‌کار مانع از آن شدند تا سنجر مدرک دکتری خود را بگیرد، اما در عین حال از منظری دیگر نشانگر این بود که چرا آکادمیسین‌ها در این حوزه از پژوهش امتناع می‌کردند.

زمانی که تاریخ طبقه‌ی کارگر و تاریخ‌نگاری مرتبط با آن در مرکز توجه قرار گرفت، موقعیت سوسیالیست‌ها نیز اهمیت بسیاری یافت. برای مثال، پژوهش‌های ترک‌شناسان سوسیالیستی مثل روزالیوف، شنوروف و شیشمانوف در طول دهه‌ی ۱۹۷۰ به زبان ترکی ترجمه شد. این پژوهش‌ها جنبش طبقه‌ی کارگر را بیشتر به‌مثابه مرحله‌ای ضروری در پیشرفت تاریخ تلقی می‌کردند. یعنی به‌طور کلی روایت بر سر طبقه‌ای اجتماعی و محصول صنعتی‌سازی بود که باید برای تأسیس سوسیالیسم در ترکیه پیش‌تازی می‌کرد. این کتاب‌ها اساساً جز نسخه‌ی ترکی تاریخ‌نگاری شوروی و پژوهش‌های بین‌المللی مرتبط با تاریخ کار نبودند. به همین سبب، این پژوهش‌ها نه مبتنی بر مطالعات مفصل بودند و نه حاوی اطلاعات پرجزئیات.<sup>۱۴</sup> با این حال، در دورانی که پژوهش‌های موجود تماماً چشم خود را بر جنبش‌های طبقات فرودست و کارگر بسته بودند و از روایت آن‌ها خودداری می‌کردند، صرف ارائه‌ی دریچه‌ای متفاوت برای نگرستن به تاریخ، سهم به‌سزایی برای پژوهش‌های مذکور داشت. در طول دهه‌ی ۱۹۷۰، نشریات چپ نیز با ساده‌سازی ادعا و یافته‌های کلی این پژوهش‌های ترجمه‌ای دست به انتشارشان زدند. این پژوهش‌ها هر قدر هم عرصه را برای حرافی تقلیل‌گرانه‌ی آکادمی در باب پژوهش‌های تاریخ کار فراهم کرده باشد، باید اذعان کرد که حجم وسیعی از اطلاعات انباشته نیز وارد میدان شد.<sup>۱۵</sup> بدون شک، استثناهای بسیار ارزشمندی نیز خارج از این گرایش وجود داشت. مقاله‌ی ظفر توپراک که در نشریه‌ی سوسیالیستی با نام مستعار منتشر شد، سهم به‌سزایی در تاریخ اعتصاب‌های ۱۹۰۸ داشت که پس از دهه‌ی ۱۹۳۰ مطالب بسیاری درباره‌ی آن نگاشته شده بود.<sup>۱۶</sup>

بیشتر پژوهش‌های مرتبط با تاریخ طبقه‌ی کارگر در امپراتوری عثمانی و ترکیه، در باب سندیکاها، جنبش‌های سازمان‌یافته، مبارزات سیاسی و عملکرد رهبران کارگری و اعتصاب‌هاست. با این حال، محدود کردن تاریخ طبقه‌ی کارگر به چنین موضوع‌ها و عرصه‌هایی، ویژگی خاص تاریخ ترکیه نیست؛ بلکه گرایشی جهان‌شمول در تاریخ‌نگاری کار است.<sup>۱۷</sup> ورود وجوه گوناگون تاریخ طبقه‌ی کارگر - از جمله زندگی روزمره، جنسیت اجتماعی، قومیت و نژاد، فرهنگ، دین و هویت - به‌عنوان نوآوری در تاریخ‌نگاری عمدتاً پس از سال‌های دهه‌ی ۱۹۶۰ رقم خورد. نسل اولی که بیشتر ذکرش رفت، عمدتاً دارای خصوصیات تداوم‌بخش گرایش کلاسیک در تاریخ‌نگاری کار بود.

صرف‌نظر از این آثار پژوهشی که خارج از آکادمی رشد یافتند، آثاری که از طبقه‌ی کارگر سخن به میان می‌آورند بیشتر بر تکوین اندیشه‌ی چپ در ترکیه تمرکز دارند. این پژوهش‌ها را می‌توان به‌عنوان مطالعات نخبگان درباره‌ی نخبگان، تعریف کرد. تاریخ اندیشه در مقایسه با تاریخ اجتماعی و فرهنگی در تاریخ‌نگاری ترکیه، عرصه‌ی پژوهشی پیشرفته‌تری محسوب می‌شود. مورخان و دانشمندان علوم سیاسی از طبقه‌ی کارگر در

قالب ظهور و تکوین تفکر سوسیالیستی یاد می‌کنند. تاریخ‌نگاری حول تفکر چپ در ترکیه نیز مشخص می‌کند که این تفکر محدود به چند روشنفکر بوده و تحول نیافته است. حتی از دیدگاه این پژوهش‌ها، برخی شخصیت‌های سوسیالیست مثل حسین حلمی (اشتراکچی) از ماهیت سوسیالیسم هیچ اطلاعی نداشتند. در واقع، آغازگاه تمام این احکام پیش‌فرض‌های مرتبط با طبقه‌ی کارگر بود. چرا که تفکر چپ و سوسیالیستی در امپراتوری عثمانی و ترکیه‌ی دوران جمهوری اول فاقد پایگاه اجتماعی بود.<sup>۱۸</sup> در واقع، حرف اصلی این بود که چون در امپراتوری عثمانی هرگز انقلاب صنعتی رخ نداده است، در نتیجه طبقه‌ی کارگر با جمعیتی اثرگذار نیز ظاهر نشد و همچنین موجب نشد که ایدئولوژی سوسیالیستی فضایی تمایزبخش ایجاد کند. خلاصه این‌که این آثار پژوهشی مدعی هستند که تضاد کار و سرمایه در تاریخ ترکیه وجود نداشته است مگر در همین سالیان اخیر.<sup>۱۹</sup>

در اصل، جریان‌هایی که معتقدند نمی‌توان از یک تاریخ طبقه‌ی کارگر در ترکیه‌ی مدرن صحبت کرد، در تعاریف و تحلیل‌های مورد استفاده‌شان اشتراک نظر دارند. تقریباً تمامی کل این آثار پژوهشی در یک دوره‌ی طولانی، طبقه‌ی کارگر را به‌عنوان پیامد انقلاب صنعتی و کارگران را به‌مثابه‌ی کارگران یدی، یقه‌آبی، مرد و مزدبگیر شاغل در تأسیسات صنعتی مدل کارخانه تلقی می‌کردند. شاغلان بخش خدمات نیز همانند کارگران بخش حمل‌ونقل حتی به‌عنوان نمایندگان «واقعی» طبقه‌ی کارگر به رسمیت شناخته نمی‌شدند. این رویکرد نیز فقط محدود به تاریخ‌نگاری ترکیه نبود؛ بخش عمده‌ی آثار پژوهشی حول تاریخ طبقه‌ی کارگر، مدت‌های مدید کارگر را به‌عنوان یک زحمتکش مزدبگیر «آزاد» تلقی می‌کردند. با این حال، همان‌طور که لیندن نیز به تفصیل اشاره کرد، طبقه‌ی کارگر حاوی آشکال گوناگون کار است. بر اساس تأکید جالب لیندن، مناسبات تولید سرمایه‌داری در مراحل متعدد تاریخ، کار ناآزاد را نیز به انحاء متفاوت درون خود جای داده و خود را با آن مفصل‌بندی کرده است. همان‌گونه که لیندن نیز اذعان داشت، موضوع اساسی کالایی‌سازی کار است و این کالایی‌سازی نیز در آشکال متنوعی می‌تواند ظاهر شود.<sup>۲۰</sup> علاوه بر این، به نحو مشابهی، هاناگان و لیندن از ضرورت تعریف طبقه‌ی کارگر به‌مثابه‌ی «زحمت‌کشان محدود ناآزاد، یعنی شاگردها، کارگران وابسته و شاغل تحت فشار، سربازان، سرف‌ها، کارگران به بردگی گرفته‌شده از طریق وام و سند، زندانیان و بردگان، یعنی افرادی که به حد کافی از آن‌ها کار کشیده نشده و کسانی که کار پاره‌وقت دارند به طوری که شامل جهان گسترده‌ی کار شود» صحبت کرده‌اند.<sup>۲۱</sup>

افزون بر این، مورخانی که در همین مکتب اندیشه جای می‌گیرند، می‌توانند از تعاریف و دسته‌بندی‌های متفاوتی استفاده کنند. برای مثال، مورخ مشهور از میان مورخان مارکسیست بریتانیایی، یعنی ای. ج. هابسبام، شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر را در اواخر قرن نوزدهم می‌داند.<sup>۲۲</sup> هابسبام نیز همانند آثار پژوهشی پیش از خود، طبقه‌ی کارگر صنعتی مدرن، یقه‌آبی و دارای یک فرهنگ و سبک زندگی مشخص را اساس قرار می‌داد.<sup>۲۳</sup> اما نام برجسته‌ی دیگر همین مکتب تاریخ‌نگاری یعنی ای. پی. تامپسون تعریف طبقه‌ی کارگر را به کارگر صنعتی محدود نکرده بود.

اثر ماندگار تامپسون، تکوین طبقه‌ی کارگر/انگلستان به منظور تحلیل شکل‌گیری طبقه در انگلستان در اصل بر تجربه‌ای تمرکز داشت که در اوایل قرن نوزدهم شکل گرفت بود.<sup>۲۴</sup> تامپسون با تمرکز بر شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر به تجارب و آگاهی طبقاتی پیشه‌وران نابودشده علاقه‌مند بود. وی که مخالف تعاریف و تحلیل‌های ساختاری بود، طبقه را بیشتر به‌عنوان پدیده‌ای تاریخی در نظر می‌گرفت. به همین دلیل هم بر این مسئله تأکید داشت که کارگران در فرآیندهای شکل‌گیری خود سوژه‌هایی فعال و آگاه هستند. به همین سبب، تامپسون با تأکید بر تجارب واقعی کارگران، نشان می‌داد که کارگران چگونه در روند تاریخی، در جایگاه افراد و طبقه در مقام فاعلان «تاریخ» جای می‌گرفتند. تامپسون حتی در یکی دیگر از پژوهش‌های مبدعانه‌اش سعی داشت که اعتراضات و مبارزات کارگران را مقدم بر خود طبقه نشان دهد. از نظر تامپسون، مبارزه‌ی طبقاتی که عامل سازنده‌ی طبقه بود، موجب پدیداری تکوین طبقاتی «طبقه‌ی در خود» و بعدها بخش مهمی از «طبقه‌ی برای خود» یعنی آگاهی طبقاتی شد.<sup>۲۵</sup>

یکی از اتهام‌های تامپسون این است که او هر قدر هم به کارگران غیرماهر، موقت، روزمزد، تهی‌دست و کشاورز ارجاع داده باشد، اما باز هم در کتاب او تأکید بسیار بیشتری بر پیشه‌وران ماهر وجود دارد.<sup>۲۶</sup> به بیان دیگر، گفته می‌شد که کتاب او بیش از آنکه درباره‌ی طبقه‌ی کارگر باشد، در باب پیشه‌وران و اصناف از میان‌رفته نگاشته شده بود. این نکته و این بحث در چهارچوب موضوع ما اهمیت دارد. زیرا همان‌طور که پیشتر هم اشاره شد، در ترکیه نیز کسانی که درباره‌ی طبقه‌ی کارگر قلم می‌زدند از دیواری حذف‌ناشدنی بین کارگران صنعتی، پیشه‌وران و کارگران اصناف صحبت می‌کردند.<sup>۲۷</sup> در واقع، پیش‌فرض این گزاره چنین است که سرمایه‌داری همان انقلاب صنعتی است. علاوه بر این، تاریخ‌نگاری مرتبط با ترکیه نیز به سبب آن که یک انقلاب صنعتی در ترکیه وقوع نیافته است، صحبت از سرمایه‌داری، بورژوازی و طبقه‌ی کارگر را تا همین دوره‌های اخیر برای این کشور بی‌معنا و حتی نامربوط می‌دانستند. در این تاریخ‌نگاری، تاریخ ترکیه تنها نمونه‌ای است که طبقه و سوژگی اجتماعی در آن جای ندارد. اگرچه به صراحت بیان نمی‌شود اما می‌توان از یک سنت تاریخ‌نگاری صحبت کرد که باور بنیادی در آن عملاً تر ملی‌گرایانه‌ی «ما [فقط] به خودمان شباهت داریم» است.

با این حال باید دوباره یادآوری کنیم که این وضعیت فقط مختص ترکیه نیست. این قبیل ادعاها بر مقایسه‌ی یک کشور معین با یک کشور «عادی» دیگر که به‌عنوان «الگوی ایده‌ئال» تلقی شده، اتکا دارند. با مقایسه‌ی کشوری که تصور می‌شود تمام مراحل ضروری فرآیند مدرنیزاسیون را به بهترین شکل و عین به عین پشت سر گذاشته و کشوری که از این معیارها تخطی کرده، باور بر این است که آن کشور منحصربه‌فرد است و به هیچ نمونه‌ی دیگری شباهت ندارد. این کشور نیز عمدتاً انگلستان است. برای مثال، تاریخ‌نگاری آلمانی نیز نمونه‌ای بسیار روشن در همین رابطه است. رویکرد/استثناگرایی که تأکید ویژه‌ای بر منحصربه‌فردی بورژوازی آلمان دارد، مدعی است که آلمان توسعه‌ی خاص خود را داشته است. طبق این نظر، بورژوازی آلمان برخلاف بورژوازی انگلستان در برابر اشرافیت زمین‌داران در جایی که باید علیه آن مبارزه می‌کرد، شرمگین و ضعیف عمل کرده است. بلک‌برن و الی،

این دیدگاه را به شدت نقد کرده‌اند؛<sup>۲۸</sup> چرا که این دیدگاه فرض می‌کند که هنگام پدیداری سرمایه‌داری در انگلستان، در میان بورژوازی نوظهور به واسطه‌ی اشرافیت زمین‌داران نزاعی در گرفته بود. با این حال، پژوهش‌های متعدد به شیوه‌ای متقاعدکننده از تحقق مناسبات تولیدی سرمایه‌داری در انگلستان در نواحی روستایی و بر سر مسئله‌ی زمین، بحث کرده‌اند. به بیان دیگر، درون اشرافیت انگلستان تعداد چشمگیری سرمایه‌دار سر برآورده بود.<sup>۲۹</sup> علاوه بر این، بخش مهمی از بورژوازی تجاری در انقلاب انگلستان که به‌عنوان انقلابی بورژوازی تلقی می‌شود، از صفوف سلطنت‌طلبان حمایت کرده بودند. به بیان دیگر، ادعاهای کلی چند مکتب تاریخ‌نگاری مربوط به ترکیه، نه ویژگی خاص ترکیه است و نه این که پژوهش‌های انجام‌شده در موارد گوناگون آن‌ها را اثبات کرده‌اند. افزون بر این، همان‌طور که سول، یکی از اسامی مهم در تاریخ طبقه‌ی کارگر، اشاره کرده است، جنبش و مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر دارای آگاهی طبقاتی تا زمان کمون پاریس ۱۸۷۱، به هیچ ترتیبی محصول صنعت و کارخانه‌های نوظهور نبود. این کارگران عمدتاً پیشه‌وران پرولتر شده بودند. به همین دلیل هم دیگر نمی‌شد این کارگران را به‌عنوان اعضای اصناف شهری سنتی قلمداد کرد. سرمایه‌داری و رویه‌های استثماری جدید آن، بسیار پیش از اختراع ماشین موجب دگرگونی پیشه‌وران شده بودند.<sup>۳۰</sup> در نتیجه، نخستین الگویی که هر پژوهش‌گر برای نوشتن تاریخ طبقه‌ی کارگر باید در نظر بگیرد، سطح توسعه‌ی صنعتی نیست، یعنی آن‌طور که در امپراتوری عثمانی، ترکیه‌ی مدرن، خاورمیانه و سایر نقاط پنداشته می‌شود؛ بلکه اگر قرار است طبقات اجتماعی تحلیل و ارزیابی شوند باید توسعه‌ی مناسبات تولید سرمایه‌داری مد نظر قرار بگیرد.

پرولترسازی همان‌طور که در بالا اشاره شد، محصول تحولات تکنولوژیک نبود. تقسیم کار، تخصصی و حرفه‌ای شدن کار، از بین رفتن مالکیت و کنترل بر ابزارها و دانش تولید، منضبط‌سازی کار و ظهور بیکاران به‌عنوان ارتش ذخیره‌ی کار مدت‌ها پیش از تمایزی که صنعت مدرن ایجاد کرده بود، پدیدار شدند؛<sup>۳۱</sup> یعنی مدت‌ها پیش از انقلاب صنعتی، سرمایه‌داری تعداد زیادی از پیشه‌وران، استادکارها و شاگردان را تبدیل به پرولتر کرده بود. تولیدکنندگان، مالکیت و کنترل خود بر ابزارهای تولید را از دست داده بودند. این فرآیند که موجب جدافتادگی آن‌ها از ابزارهای تولید و کارشان می‌شد، آن‌ها را تبدیل به کارگران مزدی کرده بود.<sup>۳۲</sup> اگر پیشه‌وران در صنوف نمی‌توانستند سرمایه‌دار شوند، کنترل خود را بر ابزارهای تولیدی که صاحب‌شان بودند، به‌سرعت از دست می‌دادند. «سرمایه‌داری و پرولترسازی دو سویه‌ی یک پدیده‌ی تاریخی بود» و در طول دوران شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر، مسیرهای بسیار متفاوتی وجود داشت که به همین نتیجه می‌رسید.<sup>۳۳</sup> علاوه بر این، آنچه مورخ معروف رافائل ساموئل مطرح کرد، یکی دیگر از تحولاتی است که باید حتماً در نظر داشت. تنها پدیده‌ای که هم‌پای سرمایه‌داری ظاهر شد، مجتمع‌های صنعتی غول‌پیکر در حال رشد و کارخانه‌ها نبود، بلکه در عین حال، تولیدکنندگان کوچک و متوسط نیز رواج یافتند. همان‌طور که ساموئل مطرح کرد، این نتیجه‌ی رشد نابرابر و مرکب سرمایه‌داری بود و در عصر ویکتوریایی، نیروی بخار در کنار کارگری یدی وجود داشت.<sup>۳۴</sup> به بیان کوتاه، عدم وجود مجتمع‌های صنعتی و کارخانه‌های بزرگ به‌معنای عدم شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر و جنبش طبقه‌ی کارگر نیست.

همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، امتناع تاریخ‌نگاری ترکیه از ارجاع به اراده و نقش‌های تاریخی اردوی کار، طبقات فرودست و سایر بخش‌های اجتماعی، ناشی از پیش‌فرض‌های تئوریک برآمده از تاریخ سیاسی و تحلیل‌های ساختاری است. با این حال، رویکردها و مواضع نظری گوناگون، درباره‌ی تاریخ عثمانی و ترکیه‌ی مدرن می‌تواند تبیین‌هایی در جهت آشکارسازی جایگاه طبقات اجتماعی متفاوت در تاریخ ارائه دهند. در ادامه یکی دیگر از افرادی که باید به او اشاره کرد، شری واتر است. واتر در پژوهش‌هایش درباره‌ی مبارزات استادکارهای دمشق، اثبات کرده است که تولید مبتنی بر پیشه‌وری و ساختار تداوم‌یافته‌ی صنف‌ها مانع از شکل‌گیری مبارزه‌ی کارگری و بعدها جنبش کارگری نشده است. وی حتی مدعی شده است که این ساختار و گفتمان‌های سنتی، مبارزات موجود را مشروعیت بخشیده‌اند و به این ترتیب آن‌ها را تسهیل کرده‌اند.<sup>۳۵</sup>

در نتیجه، به هیچ‌گرفتن تاریخ طبقه‌ی کارگر و نادیده‌نگاری جنبش‌های کارگری تا زمان معینی بخشی از سنت تاریخ‌نگاری جهانی بوده است. با این حال، تاریخ‌نگاری در ترکیه که کمابیش تحت تأثیر مدهای روشنفکری، رشته‌ها و سنت‌های اندیشه‌ی گوناگون بود تا دهه‌ی ۱۹۹۰، تأثیری ناچیز از «تاریخ از پایین» و مشخصاً گروه مورخان مارکسیست بریتانیایی، پذیرفته بود.<sup>۳۶</sup> پس از دهه‌ی ۱۹۹۰ نیز می‌توان گفت در این حوزه شاهد احیایی جدی بوده‌ایم که نتایج آن امروزه بیشتر آشکار شده‌اند. در اینجا می‌توان بین این احیاء و دهه‌ی ۱۹۹۰ و اقلیم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بعد از آن و توجهی که متوجه ای. پی. تامپسون شد، پیوندی برقرار کرد. تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه و محافظه‌کار، جهان‌بینی کمالیستی و فهم آن از تاریخ، ناخشنودی از محافظه‌کاری و اسلام سیاسی در حال پیشروی، واکنش به نهادهای دولتی رسمی موجود و بنیادهای اندیشه و دل‌سردی‌ای که تفکر چپ سنتی موجب آن شده بود، یک نسل جوان را که از مجاری سیاسی بسیار متفاوتی گرد هم آمده بودند با آثار پژوهشی مارکسیست‌های بریتانیایی آشنا کرد. اکنون باید به ارزیابی مشترک دورانی که این نسل در آن پرورش یافت و قرار گرفتن دوباره‌ی طبقه‌ی کارگر به مرکز توجه تاریخ، بپردازیم.

### ظهور ققنوس‌وار پژوهش‌های تاریخ طبقه‌ی کارگر و نسل جدید مورخان

مورخ اساساً انسان عصر خویش است. همان‌گونه که مدت‌ها پیش مورخ مشهور، ای. اچ. کار، اشاره کرده بود، مورخ نیز پدیده‌ای اجتماعی است؛ یعنی محصول جامعه و دورانی است که به آن تعلق دارد و آگاهانه یا ناآگاهانه سخن‌گوی آن است. مورخ پدیده‌های مربوط به گذشته را در این چهارچوب می‌تواند ارزیابی کند.<sup>۳۷</sup>

مهم‌ترین پدیده‌ی دهه‌ی ۱۹۹۰ در ترکیه بحران عمیق دولت و رژیم سیاسی بود. نظام سیاسی دچار بحران هژمونیک جدی شد و در جلب رضایت جامعه تقریباً ناکارآمد بود.<sup>۳۸</sup> چه ظهور اسلام سیاسی و چه پدیداری جنبش آزادی‌گرددی، گفتمان ناسیونالیستی کمالیستی را به‌شدت لرزاند و آن را بی‌اعتبار کرد. در این اوضاع، آثار پژوهشی با محوریت تاریخ طبقه‌ی کارگر نیز عمیقاً از انتقادات نسبت به تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی تأثیر پذیرفت. این گرایش نوپدید تجدیدنظرطلب که باید با جزئیات بیشتری آن را بررسی کرد، همانند بسیاری از سنت‌های

فکری و عرصه‌های پژوهشی، موجب دگرگونی پژوهش‌های حول تاریخ طبقه‌ی کارگر نیز شد. همان‌گونه که ویراستاران نشریه‌ی *مرور بین‌المللی تاریخ اجتماعی* در شماره‌ی ویژه‌ی درباره‌ی تاریخ‌نگاری کار در دوران عثمانی و جمهوریت، تأکید داشته‌اند، عرصه‌ی تاریخ کار دارای ویژگی‌هایی است که نه تنها خود بلکه تاریخ‌نگاری ملی‌گرایانه‌ی سنتی را نیز تضعیف می‌کند.<sup>۳۹</sup>

ظهور موج دوم جنبش دانشجویی توده‌ای در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ نیز عصبانی در برابر بحران مشروعیت این نظام سیاسی و سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی بود. این جنبش از تضعیف عمیق رژیم کمالیستی حکایت داشت که با کودتای نظامی ۱۹۸۰ دوباره جان گرفته بود. جنایت‌های سیاسی در دهه‌ی ۱۹۹۰، ستیزهای سیاسی که «هسته‌ی سخت دولت» هم بخشی از آن بود و نیز مبارزات قدرت، نشان از مواجهه‌ی نخبگان سیاسی با بحران ناتوانی در مدیریت بود. در این شرایط، تصادفی نبود که پژوهش‌های متأثر از ای. پی. تامپسون از دل نسلی برآمد که جهان فکری‌اش شکل یافته بود و با جنبش دانشجویی مذکور نیز ارتباط داشت.<sup>۴۰</sup>

سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ که در اصل با جنبش دانشجویی ۱۹۸۹، یکی از وقایع اجتماعی مهم پس از کودتای نظامی آغاز شد، با راه‌پیمایی بزرگ معدنچیان در ۱۹۹۱ به لرزه افتاد.<sup>۴۱</sup> فعالیت غیرقانونی کارکنان دولتی و مبارزات حقوق‌سندیکایی مشروع آنان نیز در سال ۱۹۹۵ موجب تشکیل سندیکای کارگران دولتی (ک.س.ک) شده بود.<sup>۴۲</sup> این وضعیت مبارزه‌جویی اجتماعی، موج دوم جنبش دانشجویی را که در اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰ به اوج رسید، عمیقاً متأثر کرده است. بحران مشروعیت نظام سیاسی و بسیج‌های اجتماعی نوپدید در محافل چپ نیز موجب افزایش مباحث و تجمعات اعتراضی مهمی شد. تفکرات چپ غیرارتدوکس، در میان جنبش‌ها و احزاب چپ پایگاه یافته بود. مارکسیسم ارتدوکس ای. پی. تامپسون و نقد او به ساختارگرایی، تأکیدش بر اراده، جایگاه او در جنبش مخالفت با انرژی هسته‌ای و تأکید ضد استالینی‌اش نسل جوانی را که در پی جست‌وجوی بدیل بود و خود را در دانشگاه‌ها به‌عنوان روشنفکر معرفی می‌کرد، تحت تأثیر قرار داد. افزون بر این، در آن شرایط هیچ تصادفی نبود که اولین ترجمه از تامپسون ترجمه‌ی کتاب نظری او *فقر نظریه* باشد. این کتاب در ۱۹۹۴ به زبان ترکی منتشر شد.<sup>۴۳</sup> دوباره، جنبش و احزاب سنت‌های متفاوت سیاسی چپ که محصول فرآیندی مشابه بودند در ۱۹۹۶ حزب آزادی و همبستگی را تشکیل دادند. این حزب به لحاظ برنامه‌ای، مدافع سوسیالیسم آزادی‌خواهانه‌ی مخالف با ناسیونالیسم و نظامی‌گری بود و نیز ادعا می‌کرد که خارج از فهم کلاسیک، «حزبی ناعرب» است. می‌توان گفت که در این دوره از نظر رویکرد روشنفکری و ایدئولوژیک، ایدئولوژی آنارشیستی و تروتسکیستی در میان جنبش‌های اجتماعی قدرت یافت.<sup>۴۴</sup>

تعداد زیادی از جوانانی که در جنبش دانشجویی فعالیت می‌کردند، در نتیجه‌ی مشاهدات و تجارت شخصی از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد پژوهش‌های خود را در عرصه‌ی تاریخ متمرکز کردند و به‌ویژه روایت تاریخی جریان غالب را از زوایای گوناگون زیر سوال بردند.<sup>۴۵</sup> البته برای ارائه‌ی تحلیلی مستحکم‌تر باید پژوهش‌های بسیاری بر

اساس معیارهای علمی انجام شود. یکبار دیگر باید تأکید کرد که در این دوره در میان کسانی که در دانشگاه به دنبال گسترش رویکردی متفاوت بودند، برداشت «تاریخ از پایین» محبوبیت فراوانی یافته بود. در این جریان، اگرچه می‌توان از اسامی و پژوهش‌های بسیار متفاوتی نام برد، اما اثر ماندگار تامپسون، یعنی *تکوین طبقه‌ی کارگر انگلستان*، منبع الهام بسیار مهمی است. تعداد چشمگیری از مورخان این نسل نه فقط آرشیه‌های عثمانی، که عرصه‌ی پژوهشی مورخان ناسیونالیست سنتی بود، بررسی کردند؛ بلکه شروع به پژوهش و استخراج منابع در رابطه با طبقه‌ی کارگر، دهقانان و پیشه‌وران کردند، یعنی عرصه‌هایی که مورخان ناسیونالیست از آن اجتناب کرده بودند. در ادامه می‌توان گفت که مورخان نسل جدید دارای دستورکاری دوگانه‌اند. نخست، طرح وجود طبقات فرودست در فرآیند تاریخی و تأکید بر اهمیت آن‌ها؛ دوم، مبارزه با مکاتب فکری نخبه‌گرا و ساختارگرا.

علاوه بر این، از دهه‌ی ۱۹۹۰ به بعد و در طول دهه‌ی ۲۰۰۰، هدف پژوهش‌های انجام‌شده، اثبات وجود طبقات زحمت‌کش در تاریخ مدرن ترکیه و اشاره به جایگاه بسیار مهم آن‌ها بوده است. بنابراین، می‌توان این پژوهش‌ها را اساساً همچون پیوندی میان آثار کلاسیک مرتبط با طبقه‌ی کارگر و آثاری که از اواخر دهه‌ی ۲۰۰۰ پدیدار شدند، ارزیابی کرد.<sup>۴۶</sup> این پژوهش‌ها صرفاً به دنبال پر کردن خلأ موجود نبودند؛ بلکه در عین حال در پی آن بودند که مباحث نظری را وارد این عرصه‌ی پژوهشی کنند.<sup>۴۷</sup> همراه با احیای این میل و گرایش به تاریخ طبقه‌ی کارگر، پژوهش‌های تاریخی ماندگار ای. پی. تامپسون نیز در سال‌های دهه‌ی ۲۰۰۰ به زبان ترکی ترجمه شدند. جست‌وجوی نظری سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ در حالی که عرصه را برای ترجمه‌ی کتاب *فقر نظریه فراهم کرد*، میل به پژوهش‌های تاریخی در سال‌های دهه‌ی ۲۰۰۰ میانجی ترجمه‌ی *تکوین طبقه‌ی کارگر در انگلستان و آداب و رسوم مشترک* شد.<sup>۴۸</sup>

کتاب آتیلا آیتکین نمونه‌ی خوبی درباره‌ی احیای این توجه تاریخی است. کتاب با فصلی نظری آغاز می‌شود که به اهمیت ای. پی. تامپسون در قالب زیرفصلی جداگانه می‌پردازد.<sup>۴۹</sup> این پژوهش، تز کارشناسی ارشد آیتکین بود و در سال ۲۰۰۲ جایزه‌ی پژوهشگران جوان علوم اجتماعی را از آن وی کرد. حکایت من نیز ویژگی مشابهی داشت. کارشناسی ارشد من در سال ۱۹۹۸ آغاز شد و تأثیر عمیقی از تحولات سیاسی سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰ گرفت و همین من را به سمت تاریخ مبارزات طبقات ستم‌دیده سوق داد. نقد تامپسون به مارکسیسم ارتدوکس و حملات سیاسی وی به ساختارگرایی تأثیر شدیدی بر نسل ما گذاشته بود. در سال ۱۹۹۹، زمانی که شروع به تحقیق درباره‌ی جنبش بایکوت کردم، جنبشی که به‌عنوان یک حرکت اجتماعی پس از انقلاب ۱۹۰۸ سر بر آورده بود، تمایل داشتم که اعتراضات طبقات فرودست را آشکار کنم. تز کارشناسی ارشدم و بعدها کتابی که منتشر شد، همانند کتاب آیتکین، با فصل و مبحثی نظری آغاز می‌شد و در آنجا ذکر نام ای. پی. تامپسون مایه‌ی غرور خاصی بود. تز من که درباره‌ی شکل‌گیری آرای عمومی و کلی بخش‌های متفاوت جامعه مثل تاجران، کارگران، کارمندان قسمت‌های مختلف بوروکراسی از طریق تأکید بر اعتراضات توده‌ای و نقش این اعتراضات بود در سال ۲۰۰۲ به اتمام رسید، در ۲۰۰۳ جایزه‌ی رقابت پژوهش‌های ملی کارشناسی ارشد متعلق به نشریه‌ی *تاریخ و جامعه* را از آن

خود کرد و در ۲۰۰۴ در قالب کتاب منتشر شد.<sup>۵۰</sup> در اصل، این جایزه نیز محصول علاقه و توجهی احیاشده به این عرصه و رویکرد بود و اشاره بر گرایشی داشت که در بالا سعی داشتیم خلاصه بیان کنیم.

در ادامه باید از آلپ اوزدن نیز نام ببرم؛ او تز دکترای خود را درباره‌ی تاریخ طبقه‌ی کارگر نگاشت و در دانشگاه بوغازی چی شایسته‌ی دریافت جایزه قرار گرفت که در عین حال، عضو جنبش دانشجویی رادیکال نیز بود.<sup>۵۱</sup> اوزدن علاوه بر بررسی انواع منابع و موضوعاتی که پیشتر از آن‌ها استفاده نشده بود، توانست مباحثی نظری را که ای. پی. تامپسون نیز بخشی از آن بود مطرح و فرهنگ طبقه‌ی کارگر را ردیابی کند. حتی در سمپوزیومی که بنیاد تاریخ، کنفدراسیون سندیکاها، انقلابی کارگران (دیسک) و بنیاد پژوهش‌های تاریخ اجتماعی ترکیه (توستاو) مشترکاً برگزار کردند، اوزدن عنوان کرد که این مباحث یکی از اهداف اصلی وی بوده است. اوزدن بر تأثیرپذیری خود از مقاله‌ی تامپسون مشخصاً در رابطه با شکل‌گیری انضباط کاری و زمانی در دوران اولیه‌ی گذار به تولید کارگاهی تأکید کرده است.<sup>۵۲</sup>

تأکید تامپسون بر تعریف و تجربه‌ی طبقه‌ی کارگر تأثیری سحرآمیز بر این نسل از مورخان داشت؛ دقیقاً همانند تأثیری که به‌ویژه در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ در اروپا و ایالات متحد بر جای گذاشته بود. این وضعیت در عصری که پنداشته می‌شد پژوهش‌های مرتبط با طبقه از رواج افتاده‌اند و منسوخ شده‌اند، زمانی که نسلی از مورخان پرورش یافته وارد میدان شدند نسبتاً جالب توجه بود. این مباحث احیاشده حول طبقه، دیگر بدون ذکر نام تامپسون امکان‌پذیر نبود.<sup>۵۳</sup> حتی ذکر نام تامپسون در پژوهش‌های کلاسیک‌تری که ربطی مستقیم نیز به آن نداشت، ضروری شده بود.<sup>۵۴</sup> امروزه پژوهش‌های مرتبط با طبقه‌ی کارگر همراه با تحولات طبقه‌ی کارگر به لحاظ کمی و کیفی در حال افزایش است. در این چارچوب، در میان این پژوهش‌ها که تعدادشان به سرعت رو به افزایش است، تقریباً نمی‌توان کتابی را یافت که در آن نامی از ای. پی. تامپسون برده نشده یا بحثی در رابطه با او در نگرفته باشد.<sup>۵۵</sup> حتی پژوهش‌های طبقه‌ی کارگری که تحقیق تاریخی نیستند نیز دیگر بدون ذکر نام او منتشر نمی‌شوند.<sup>۵۶</sup>

با این حال، باید به مسئله‌ی دیگری اشاره کرد که به همین اندازه اهمیت دارد: در مباحث سیاسی که مستقیماً پژوهش تاریخی محسوب نمی‌شوند نیز درک تاریخی و طبقاتی تامپسون محل بحث است. برای مثال، در جریان بزرگداشت‌های یکصد سالگی روز یکم ماه می و مباحث/مجادلات مربوط به جشن یک می در میدان تقسیم یکی از مقالات با ارجاع به تامپسون چنین می‌گفت: «مورخ با بینش خود که خصوصیت سیاسی تاریخ‌نگاری را برجسته می‌کند، زمانی که دست به نگارش تاریخ می‌زند با توجه به موضوع انتخابی و سوژه‌ی تاریخی خود در حال انجام یک انتخاب سیاسی است».<sup>۵۷</sup> در همین سال‌ها شبکه‌ی همبستگی و هماهنگی کار که در جهت هماهنگی مبارزات کارگری و مرئی کردن آن‌ها نزد آرای عمومی دوباره تأسیس شده بود، خود را با گفته‌های تامپسون به عموم مردم معرفی می‌کرد.<sup>۵۸</sup> در یکی از مقالات مرتبط با مسئله‌ی هویت، در حالی که بر

اهمیت فرآیند تکوین هویت تأکید می‌شد، با حرکت از نمونه‌ی طبقه‌ی کارگر انگلستان تأثیر مبارزه‌ی جمعی و تجربه‌ی مقاومت نیز برجسته شده بود.<sup>۵۹</sup>

گورکم دوغان یکی از مورخان نسل جدید که درباره‌ی تاریخ کار پژوهش می‌کرد، در بحثی رابطه‌ی نسل خود و تامپسون را همانند «پرواز پروانه‌ها به سمت نور» ترسیم کرده بود. مباحث اساسی پژوهش‌های تامپسون که در بالا ذکر شد، پاسخی درخور برای نیازهای سیاسی، آکادمیک و تئوریک یک نسل از مورخان داشت. علاوه بر این، در پژوهش‌های مرتبط با تاریخ طبقه‌ی کارگر، افزایش چشم‌گیری در استفاده از مفاهیم اقتصاد اخلاقی و تجربه در حال شکل‌گیری بود. در ترکیه، در میان نشریات دوره‌ای دارای بازنگری دقیق<sup>۶۰</sup>، نشریه‌ی *پراکسیس* که خط سیاسی رادیکالی دارد، در نخستین شماره‌ی خود در سال ۲۰۰۰ نخستین جملات اولین مقاله‌ی خود را با ارجاع به تامپسون آغاز می‌کرد.<sup>۶۱</sup>

علاوه بر این، یکی دیگر از ویژگی‌های دهه‌ی ۲۰۰۰، اهمیت رابطه‌ی تامپسون با نسلی از مورخان است که وی را وارد تاریخ‌نگاری ترکیه کرده‌اند. این مورخان جوان که بیشتر به‌عنوان دستیاران پژوهشی<sup>۶۲</sup> در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کردند، خود را فقط به پژوهش درباره‌ی تاریخ طبقه‌ی کارگر و تعقیب ردپاهای سوژه، سوژگی و اراده در تاریخ محدود نمی‌کردند؛ بلکه خود شاهد سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی و پرولترسازی ناشی از سیاست‌های تعدیل ساختاری بودند. به بیان دیگر، این نسل از مورخان آن‌چه را تامپسون در قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم تحت عنوان فرآیند پرولترسازی توصیف و تحلیل کرده بود، خود تجربه می‌کردند. همراه با تجاری‌سازی و کالایی‌سازی خدمات عمومی، شکل، محتوا و فرآیند مشاغل کسانی که پیشتر به‌عنوان «طبقه‌ی متوسط» رمزگذاری شده بودند، یعنی مهندسان، دکترها، معلمان و وکلا، دست‌خوش دگرگونی ساختاری شد. نظام اقتصادی و سیاسی نولیبرال عرصه را برای دگرگونی مهم در روابط تولیدی فراهم کرده بود. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد؛ نظام، بحران رژیم سیاسی و مسئله‌ی مشروعیت آن در دهه‌ی ۱۹۹۰ را در اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ با حکومت تک‌حزبی و نیرومند حزب عدالت و توسعه پشت سر گذاشت. این حکومت تک‌حزبی قدرتمند از سال ۲۰۰۲ تا به امروز یکی از مهم‌ترین نمونه‌های اقتدارگرایی نولیبرالی در ترکیه بوده است.

سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ با سرعتی آهسته اجرا می‌شد، در دوران حکومت تک‌حزبی حزب عدالت و توسعه به شکلی بی‌سابقه و به‌صورت ریشه‌ای به اجرا گذاشته می‌شد. خصوصی‌سازی‌های عرصه‌ی آموزش، پولی‌سازی، استخدام ثابت و معیارهای عملکردی با تغییراتی مثل «فرآیند بولونیا» دچار دگرگونی ساختاری شدند.<sup>۶۳</sup> در این دوران، تعداد زیادی از دانشگاهیانی که مجبور به نوشتن پایان‌نامه بودند، به نحو بی‌سابقه‌ای وادار به پرداخت هزینه‌های دانشگاه شدند و در میان آن‌ها کسانی که شغل دانشگاهی داشتند شاهد وخیم‌تر شدن شرایط کاری خود نیز بودند. در آن زمان سعی بر آن بود که دستیاران پژوهشی که در دانشگاه‌های خصوصی بیشتر به منصبی پشت‌میزنشین تقلیل یافته بودند، در دانشگاه‌های دولتی نیز در قالب یک

شکل کاری منعطف تغییر و تحول یابند. بخش‌هایی که پیش‌تر با عنوان «طبقه‌ی متوسط» شناخته می‌شد نیز دست‌خوش فرآیند پرولترسازی رادیکال شده بود.<sup>۶۴</sup> در حالی که گویی این اقدامات کافی نبود، بی‌ثبات کاری یعنی فرآیند اخراج دستیاران پژوهشی پس از پایان تزه‌اشان نیز اتفاق افتاد و عمیقاً این افراد را تحت تأثیر قرار داد؛ به‌گونه‌ای که پس از سال ۲۰۰۷ موجب ظهور جنبشی رادیکال در میان دستیاران پژوهشی در ترکیه شد.<sup>۶۵</sup> نیمه‌ی نخست دهه‌ی ۲۰۱۰ نیز با انباشت تجربه‌ی جنبش دستیاران پژوهشی که در حال حاضر نیز از قدرت زیادی برخوردار است، سپری شد.<sup>۶۶</sup> نسلی از مورخان که نسبت به پژوهش‌های تامپسون کنجکاو بودند و تحت تأثیر وی در حوزه‌ی تاریخ کار پژوهش می‌کردند، مباحث نیش‌داری نیز در باب یکی از تجارب خود یعنی بی‌ثبات کاری مطرح کردند. در این چارچوب، تامپسون و تحلیل او از اعتراضات رادیکال صنعت‌گران و فرآیند پرولترسازی نزد این نسل از مورخان دوچندان معنا یافت.<sup>۶۷</sup> علاوه بر این، اثر مشهور تامپسون یعنی *تکوین طبقه‌ی کارگر در انگلستان* که اینک تبدیل به یک مکتب فکری شده بود، با نظر به تعداد دفعات چاپ مجدد آن در حوزه‌ی پژوهش‌های علوم اجتماعی ترکیه، یعنی سه بار تجدید چاپ ظرف فقط هشت سال، تصادفی و بی‌دلیل نبود.

باید به دو مورخی اشاره کنم که به‌تازگی آثارشان منتشر شده است؛ آن‌ها هم از جهت ارتباط با نسل مورخان مذکور و هم به‌دلیل روابطشان با جنبش طبقه‌ی کارگر یکی از نمونه‌های بسیار مهم‌اند. یکی از این دو مورخ جوان، هاکان کوچاک است. او علاوه بر نگارش تز خود در یک سندیکای کارگری نیز به‌عنوان متخصص سابقه‌ی کار دارد. نفر دوم، آلپکان بیرالما است که با کارگران اعتصابی ارتباط نزدیکی دارد. کوچاک در پژوهش خود که مربوط به روایت طبقه شدن کارگران «پاشاباغچه» است، اگرچه به افراد مختلفی ارجاع می‌دهد اما در باب تکوین طبقه، سوژه‌گی و تجارب کارگران، در همان ابتدای کتاب خود به تأثیرپذیری عمیق از تامپسون اشاره کرده است.<sup>۶۸</sup> بیرالما نیز کتاب خود را که درباره‌ی مردم‌نگاری سه مقاومت کارگری است، با فصلی می‌آغازد که «ارزش تئوریک تامپسون» یکی از عناوین مشخص آن است: «کسی که با رویکردش به مسئله‌ی طبقه، به من شور و شوق و امید بخشید و وسیله‌ای شد تا دست به نگارش این کتاب بزنم و سفر فکری خود را بی‌آغازم، کسی نیست جز ای. پی. تامپسون».<sup>۶۹</sup>

یکی دیگر از ویژگی‌های نولیبرالیسم در این دوره این بود که روشنفکران را با دیگر آثار تامپسون آشنا کرد. در حالی که نولیبرالیسم به‌ویژه در خاورمیانه موجب از بین رفتن کمک‌های اجتماعی و یارانه‌های دولتی شده است، عرصه را برای طغیان چندین جنبش نان نیز فراهم کرده بود.<sup>۷۰</sup> این خیزش‌ها حاوی تشابهات تطبیق‌پذیری با خیزش‌های نان قرن هجدهم بودند. در حالی که نولیبرالیسم هنجارهای جدید را تحمیل می‌کرد، درست مانند خیزش ۲۰۰۱ آرژانتین، جنبش‌های نان فراگیر شد و در این بستر تحلیل «اقتصاد اخلاقی» تامپسون در پژوهش‌های اجتماعی یک‌بار دیگر محبوبیت یافت. همراه با موج خصوصی‌سازی یعنی تضعیف حقوق اجتماعی، مناسبات همبستگی و نظم کهن از سوی سازوکارهای بازار آزاد، آن‌گونه که در قرن هجدهم نیز تجربه شد، این ادبیات پژوهشی جدید با ارجاع به حقوق، نظم و «اقتصاد اخلاقی» سنتی در اساس از منضبط بودن توده‌ها حرف

می‌زد. علاوه بر این، تأکید می‌کرد که توده‌ها اهداف مشخصی داشتند.<sup>۷۱</sup> در واقع، این پژوهش‌ها دفاعی بود از خودانگیزگی مقاومت در برابر مناسبات بازار که زندگی روزمره، روابط اقتصادی و نظم‌های اجتماعی را زیرورو کرده بود.<sup>۷۲</sup>

از سوی دیگر، با اینکه یکی دیگر از ویژگی‌های دوران نولیبرال ضرورت اجرا و شکل‌گیری حقوق و مدیریت به‌شیوه‌های دموکراتیک و از مجرای مذاکره پنداشته می‌شد، این روندها به‌عنوان فرآیندهایی تکنیکی معرفی و از عرصه‌ی سیاسی بیرون گذاشته شد. در نتیجه، اقتصاد، حقوق و مدیریت رفته‌رفته به لحاظ شکلی از اراده‌ی مردم منتزع و در اختیار نهادهای تکنوکرات «متخصص» گذاشته شد، فرآیندی که شاهد ظهور اشخاص و نهادهای متخصص فاقد مسئولیت از نظر سیاسی بود. به بیان دیگر، نولیبرالیسم از مجرای قوانین و اصلاحات حقوقی جدید نیز در حال شکل‌گیری بود.<sup>۷۳</sup> در این شرایط، انتظار نمی‌رفت کسانی که به پژوهش و مباحث طبقاتی تامپسون علاقه‌مند بودند بتوانند نسبت به اثری از وی که توجه را معطوف به تأسیس نظم حقوقی در قرن هجدهم، غیرشخصی‌شدن مناسبات طبقاتی، سازوکارهای جدید کنترل طبقاتی و روش‌های انضباطی می‌کرد، بی‌تفاوت بمانند.<sup>۷۴</sup> در سال‌های دهه‌ی ۲۰۰۰ رابطه‌ی متعینی بین قوانین و اقتصاد جهانی با پژوهش‌های تاریخی که به کرات مطرح می‌شدند، وجود نداشت. اما پیوند بین پژوهش‌های انجام‌شده و این فضا را در دو نمونه می‌توان مشاهده کرد. نخست، در مقالات حوری جهان اسلام‌اوغلو، مورخی که در زمینه‌ی مقررات حقوقی و قانونی معاصر پژوهش می‌کند، تامپسون جایگاه ویژه‌ای دارد. علاوه بر این، اسلام‌اوغلو در کلاس‌های درس خود در باب نولیبرالیسم به دانش‌جویان توصیه می‌کرد که حتی اگر کتاب *ویگ‌ها و شکارچیان* تامپسون را نمی‌خوانند دست‌کم به کتاب‌خانه بروند و دستی بر پشت جلد آن بکشند. به همین ترتیب، مورخی دیگر، آلپ یوجل کایا، چه در پژوهش‌های خود حول ساختار اقتصادی، روابط مالکیت و نظم حقوقی در امپراتوری عثمانی و چه در مقالات خود در ارتباط با نظم نولیبرالی، یکی از نقاط ارجاع مشترکی که داشت ای. پی. تامپسون و کتاب *ویگ‌ها و شکارچیان* وی بود.<sup>۷۵</sup> در این بستر، نادر اوزبک نیز در کلاس‌های درس و پژوهش‌های تاریخی خود بارها به کتاب *ویگ‌ها و شکارچیان* تامپسون ارجاع می‌داد.<sup>۷۶</sup>

## نتیجه‌گیری

نادیده‌انگاشتن طبقه‌ی کارگر در تاریخ‌نگاری تُرک و پژوهش‌های در باب ترکیه اساساً تجلی‌گرایی جهانی در ترکیه بود. اما خارج از ترکیه و پس از سال‌های دهه‌ی ۱۹۶۰، پژوهش‌های تاریخ اجتماعی و رویکردهایی مثل «تاریخ از پایین» تأثیری شگرف بر آثار پژوهشی این عرصه داشتند. در این سال‌ها، پژوهش‌های مرتبط با تاریخ طبقه‌ی کارگر و عرصه‌ی کار به‌طرز چشم‌گیری احیاء شد. در این دوران، عدم تأثیرپذیری روشنفکران ترکیه از تامپسون که عموماً تمایل زیادی به تأثیرپذیری از مکاتب فکری گوناگون دارند، به‌واقع جالب‌توجه است. سعی کردم در سطور بالا به دلایل این عدم تأثیرپذیری بپردازم. امروزه شاهدیم که تأثیر تامپسون در دهه‌ی ۱۹۶۰ و پس از آن بر غرب، در دهه‌ی ۱۹۹۰ وارد ترکیه شد. نسلی جدید از مورخان که در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰

شاهد یک دگرگونی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بودند، پیش از هر چیز به پژوهش‌های تاریخی متمایل شدند. تجارب شخصی آن‌ها موجب مواجهه‌شان با تاریخ طبقه‌ی کارگر و سولاتی شد که تامپسون پیش‌تر مطرح کرده بود. این مواجهه نیز به شکلی معنی‌دار در زمانی انجام شد که در کلی‌ترین سطح مباحثی حول مرگ طبقات، پایان تاریخ و حذف طبقه‌ی کارگر به‌مثابه‌ی سوژه‌ای مهم از صحنه‌ی تاریخ در می‌گرفت. اما تجربه‌ای که این نسل اندوخته بود تنها مختص ترکیه نبود. این دگرگونی تحت عنوان نولیبرالیسم موجب شد که تامپسون و به بیان کلی‌تر، تاریخ اجتماعی در کشورهای مختلف جهان محبوبیت بیابند. روایتی که در این مقاله مطرح شد، در اصل بخشی از این تصویر کلی است. امروزه هم آثار تامپسون، هم آرای او درباره‌ی روش و هم مفاهیم موردعلاقه‌ی وی، به شکلی فراگیر در پژوهش‌های مرتبط با ترکیه استفاده می‌شوند. مشخصاً پژوهش‌های نسل جدیدی که در پی دیدگاهی بدیل هستند، اینک فقط در راستای پیشنهادهای تئوریک تامپسون، آثار تجربی تفصیلی منتشر می‌کنند. با نگاه به آثار مفیدی که تا کنون نوشته شده‌اند، به‌راحتی می‌توان ادعا کرد که در آینده‌ای نه چندان دور (هرقدر هم اغراق‌آمیز جلوه کند)، دوره‌ای که آن را «عصر احیاء» نامیده‌ام، وضعیتی بارزتر پیدا خواهد کرد.

#### منبع:

\* این نوشته ترجمه‌ای است از مقاله‌ی دوغان چتینکایا به زبان ترکی:

‘‘Sefaletten İhyaya’’: Türkiye İşçi Sınıfı Tarihi ve E.P. Thompson, Y. Doğan Çetinkaya, *Tarih ve Toplum Yeni Yaklaşımlar*, Sayı ۱۷, Bahar ۲۰۱۴, s. ۲۰۱-۲۲۱.

\*\* دوغان چتینکایا استاد دانشکده‌ی علوم سیاسی در دانشگاه استانبول.

\*\*\* این مقاله نسخه‌ی بسط‌یافته‌ی ارائه‌ی من در کنفرانس «ای. پی. تامپسون جهانی: تأملاتی درباره‌ی تکوین طبقه‌ی کارگر انگلستان پس از پنجاه سال» است که به مناسبت پنجاهمین سالگرد انتشار اثر ماندگار تامپسون در تاریخ ۳ تا ۵ اکتبر ۲۰۱۳ در دانشگاه هاروارد برگزار شد و نسخه‌ی انگلیسی آن نیز به زودی انتشار خواهد یافت. از کسانی که در زمان نگارش این مقاله، دیدگاه‌های خود را با من به اشتراک گذاشتند، یعنی از سینان ییلدیرماز، م. گورکم دوغان، باریش آلپ اوزدن، بیئت آکین، ای. آتیلا آیتکین و کرم اونووار، سپاسگزارم. دانشگاه استانبول، دانشکده‌ی علوم سیاسی.

<sup>۱</sup> یوکسل آک‌کایا، «نکاتی در باب فقر تاریخ کار در ترکیه»، جامعه و علم، شماره ۹۱، زمستان ۲۰۰۲/۲۰۰۱، ص. ۲۹۴-۲۸۵.

<sup>۲</sup> پژوهش‌گران جوان تاریخ کار این ادعاها را نقد کرده‌اند و مردود می‌شمارند: بییت آکین، «سهمی در تاریخ‌نگاری کار در دوران اولیه‌ی جمهوری: رویکردهای جدید، منابع نوین»، *رویکردهای نوین در تاریخ و جامعه*، شماره ۲، پاییز ۲۰۰۵، ص. ۷۵. پژوهشی دیگر نیز به تازگی انتشار یافته است که به‌ویژه بر اهمیت آرشیوهای عثمانی از منظر تاریخ کارگری تأکید می‌کند: قدیر ییلدیریم، *کارگران در عثمانی (۱۹۲۲-۱۸۷۰): حیات کاری، سازمان‌ها، اعتصاب‌ها* (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۱۳).

<sup>۳</sup> برای مقاله‌ای مقدماتی که نقصان تاریخ طبقه‌ی کارگر را با ذهنیت‌های تاریخ‌نگاران مرتبط می‌کند، بنگرید به اثر مهم دونالد کوتارت، «مقدمه: کارگران از عثمانی تا جمهوری ترکیه (۱۹۵۰-۱۸۳۹)، دونالد کوتارت و اریک جی. زورچر، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۱۹۹۸)، ص. ۱۴.

<sup>۴</sup> بی‌شک آثار پژوهشی موجود بسیار بیشتری از مواردی است که در اینجا به آن‌ها پرداخته یا اشاره کرده‌ام. این ادعا را ندارم که به تمام این آثار پژوهشی اشاره کرده‌ام. مشخصاً در باب تاریخ طبقه‌ی کارگر در دوران جمهوری آثار فراوانی پیش از آغاز تأثیر ای. پی. تامپسون نگاشته شده بود.

<sup>۵</sup> به سبب آنکه پیش‌تر در یک بستر دیگر به این موضوع پرداخته‌ام، دیگر وارد جزئیات نمی‌شوم: ی. دوغان چتینکایا «انقلاب ۱۹۰۸ و بسیج اجتماعی»، *بازاندیشی مشروطیت، فردان ارگوت*، (استانبول: نشر یورت بنیاد تاریخ، ۲۰۱۰)، ص. ۲۷-۱۳.

<sup>۶</sup> درباره‌ی پژوهشی که صحت گفته‌های من را در بستر خاورمیانه و شمال آفریقا نیز تأیید می‌کند، بنگرید به استفان کرونی، «مقدمه»، *فردستان و اعتراض اجتماعی: تاریخ از پایین در خاورمیانه و شمال آفریقا*، (لندن: راتلج، ۲۰۱۱)، ص. ۱.

<sup>۷</sup> یکی از نقدهای تأثیرگذار به تاریخ‌نگاری ملی‌گرا در عین حال از منظر زمان انتشار نیز بدعت‌آمیز بود: هوری اسلام‌اوغلو و چاغلار کیدر، «دستورکاری برای تاریخ عثمانی»، *ریویو*، شماره ۱، ۱۹۷۷. مشخصاً پژوهش‌های کیدر را می‌توان مهم‌ترین ترکیب مکتب لیبرال و یا مطالعات ساختاری دانست: چاغلار کیدر، «پژوهش‌های تاریخ اجتماعی»، (آنکارا: انتشارات دوست، ۱۹۸۳) و چاغلار کیدر، *دولت و طبقات در ترکیه*، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۱۹۸۹). برای ارزیابی این دگرگونی در تاریخ‌نگاری بنگرید به اوکتای اوزل و گوکان چتین‌سایا، «آخرین ربع قرن تاریخ‌نگاری عثمانی در ترکیه: یک ارزیابی عملکرد»، *نشریه‌ی جامعه و علم*، شماره ۹۱، زمستان ۲۰۰۲-۲۰۰۱، ص. ۳۸-۸.

<sup>۸</sup> با این حال، استثنای بسیار مهم و ارزشمندی هم در کار بود. همچنین تاریخ‌نگارانی هم وجود داشتند که می‌خواستند کنشگران اجتماعی را نیز به تصویرهای ترسیم‌شده‌شان وارد کنند. اما افسوس که تعداد این قبیل پژوهش‌ها در میان آثار پژوهشی بسیار ناچیز بود و تأثیری بر گرایش کلی نداشتند. به‌ویژه تأثیر آن‌ها بر اقلیم ذهنی ترکیه به غایت محدود بود. تأثیرات عمیق این پژوهش‌های پیشگام بعدها بیشتر در نسل‌های جوان احساس شد. در اینجا، یاد نکردن از دونالد کوتارت که تأثیر مهمی بر نسل جوان داشت، بی‌انصافی است: دونالد کوتارت، *تجزیه‌ی اجتماعی و مقاومت مردمی در امپراتوری عثمانی، ۱۹۰۸-۱۸۸۱: واکنش‌هایی به نفوذ اقتصادی اروپا*، (نیویورک، انتشارات دانشگاه نیویورک، ۱۹۸۳). در این‌باره مجدداً مقاله‌ی کوتارت در ارزیابی رویکردهای جدیدی که سعی در گذار از محدودیت‌های تاریخ نظامی و سیاسی دارند، حاوی تحلیل‌های ارزشمندی در جهت سبک سنگین کردن گفته‌های پیشین من است: دونالد کوتارت، «تاریخ‌نگاری عثمانی در تقاطع»، *مطالعات ترکیه در ایالات متحد، دونالد کوتارت و صبری سایاری*، (بلومینگتون: انتشارات دانشگاه ایندیانا، ۲۰۰۳)، ص. ۳۰-۱۵. در اصل این پژوهش‌های کوتارت را می‌توان در بستری کلی‌تر، به‌عنوان بخشی از احیایی که در دهه‌ی ۱۹۸۰ در برابر تاریخ کار و «تاریخ از پایین» در مطالعات خاورمیانه آغازید، تعبیر کرد. پژوهش‌های تاریخ اجتماعی کوتارت در دهه‌ی ۱۹۹۰ بر نسلی که به تاریخ علاقه‌مند بود تأثیر عمیقی گذاشت. با این حال، این به معنی عدم انجام پژوهش‌هایی درباره‌ی مقاومت اجتماعی تا پیش از آن نبود. برای مثال، این مطالعات در میان بهترین‌های حوزه‌های مذکور بودند: چاغاتای اولوچای، *یاغی‌گری و جنبش‌های خلقی در قرون هجده و نوزده میلادی*، (استانبول: نشر برکسوی، ۱۹۵۵) و خلیل اینالچیک، «کاربست دوران تنظیمات و تأثیرات اجتماعی آن»، *بلتن*، شماره ۲۸، ۱۹۶۴، ص. ۶۴۹-۶۲۳. در اصل، پژوهش‌های حول جنسیت اجتماعی نیز نسل مذکور را به شدت متأثر کرد. اما آثار پژوهشی این حوزه نیز بسیار ناچیز بودند. علاوه بر این، این پژوهش‌ها بیش از آنکه در مورد مردسالاری و روابط جنسیتی باشند، محدود به زنان برجسته و جنبش‌های آنان می‌شدند.

<sup>۹</sup> حسین آونی (شاندا)، *نخستین طغیان‌ها در برابر سرمایه‌ی اجنبی در ۱۹۰۸*، (استانبول: نشر آکشام، ۱۹۳۵).

<sup>۱۰</sup> لطفی عریشچی، *تاریخ طبقه‌ی کارگر در ترکیه (خلاصه)*، (استانبول: نشر کوتولموش، ۱۹۵۱).

<sup>۱۱</sup> کمال سولکر، *سندیکاگرایی در ترکیه*، (استانبول: ۱۹۵۵).

<sup>۱۲</sup> کمال سولکر، *جنبش‌های کارگری ترکیه در صد سال*، (استانبول، انتشارات گرچک، ۱۹۶۸).

<sup>۱۳</sup> اویا سنجر (یابدار)، *طبقه‌ی کارگر در ترکیه - پیدایش و ساختار*، (استانبول: انتشارات هابورا، ۱۹۶۹).

<sup>۱۴</sup> آ. شنوروف و ی. روزالیوف، *انکشاف سرمایه‌داری و مبارزات طبقاتی در ترکیه*، (استانبول: نشر آنت، ۱۹۷۰)؛ آ. شنوروف، *پرولتاریای ترکیه*، (استانبول: نشر یر، ۱۹۷۳)؛ ی. ن. روزالیوف، *پرولتاریای صنعتی ترکیه*، (استانبول: نشر یر، ۱۹۷۴)؛ ی. ن. روزالیوف، *خصایص*

انکشاف سرمایه‌داری در ترکیه، (استانبول: نشر اونور، ۱۹۷۸)؛ دیمیتز شیشمانوف، تاریخ مختصر جنبش سوسیالیستی و کارگری در ترکیه (۱۹۶۵-۱۹۰۸)، (استانبول: نشر بلگه، ۱۹۷۸).

<sup>۱۵</sup> می‌توان گفت که این انباشت دانش در دو پژوهش مهم تبلور یافت: اتحاد کل اقتصاددانان، تاریخ طبقه‌ی کارگر و مبارزات آن در ترکیه، (آنکارا، تیب، ۱۹۷۶) و تاریخ مصور طبقه‌ی کارگر ترکیه، مجلد اول، دوم، سوم، چهارم، سلیمان اوستون و یوجل یامان، تصاویر از تان اورال، (استانبول: انتشارات واردیا، ۱۹۷۵).

<sup>۱۶</sup> حقی اونور (ظفر توپراک)، «جنبش‌های کارگری ۱۹۰۸ و ترکان جوان»، نشریه یورت و دنیا، شماره ۲، مارس ۱۹۷۷، ص. ۲۹۵-۲۷۷.

<sup>۱۷</sup> درباره‌ی تقسیم‌بندی متقاعدکننده‌ی گرایش‌های مختلف تاریخ‌نگاری کار بنگرید به مارسل وندرلیندن، «تاریخ کار: قدیم، جدید و جهانی»، مطالعات آفریقا، مجلد ۶۶، شماره ۳-۲، آگوست-دسامبر ۲۰۰۷، ص. ۱۶۹.

<sup>۱۸</sup> برای ارزیابی این آثار بنگرید به ی. دوغان چتینکایا، «درک سوسیالیسم: یک روزنامه‌ی دوران آتش‌بس»، پیشکش به مته تونچای، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۰۷). ص. ۴۹۹-۵۳۶؛ ی. دوغان چتینکایا و فوتی بنلیسوی، «حلمی اشتراکی»، تفکر سیاسی در ترکیه‌ی مدرن، مجلد هشتم، چپ، مورات گول‌تکینگیل، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۰۷).

<sup>۱۹</sup> آجلان ساییلگان، جنبش‌های چپ در ترکیه، (استانبول: ۱۹۷۲)، ص. ۷۲-۷۰؛ ایلهان دارندلی اوغلو، جنبش‌های کمونیستی در ترکیه، (استانبول: ۱۹۷۳)، ص. ۱۶-۱۷، ۳۴؛ مظفر سنجر، بنیان‌های اجتماعی/حزب سیاسی در ترکیه، (استانبول: ۱۹۷۴)، ص. ۵۸-۵۵؛ فیروز احمد، «تأملاتی در باب سوسیالیسم و ملی‌گرایی در آخرین دوران امپراتوری عثمانی»، سوسیالیسم و ملی‌گرایی در امپراتوری عثمانی (۱۹۲۳-۱۸۷۶)، اریک جی. زورچر و مته تونچای، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۱۹۹۵)، ص. ۱۷-۱۶؛ حلمی ضیا اولکن، تاریخ اندیشه‌ی معاصر در ترکیه، (استانبول: ۱۹۹۲)، ص. ۲۰۶-۲۰۷.

<sup>۲۰</sup> مارسل ون در لیندن، «تاریخ کار به مثابه‌ی تاریخ انبوه‌ها»، نشریه کار، شماره ۵۳، پاییز ۲۰۰۳، ص. ۴۳-۲۳۵.

<sup>۲۱</sup> میشل هانگان و مارسل ون در لیندن، «رویکردهای جدید به تاریخ جهانی کار»، نشریه تاریخ بین‌المللی کار و طبقه‌ی کارگر، شماره ۶۶، پاییز ۲۰۰۴، ص. ۱.

<sup>۲۲</sup> برای آشنایی جزئی با مکتب مورخان مارکسیست بریتانیایی که تامپسون هم بخشی از آن‌هاست، به این منبع رجوع شود: هاروی جی. کایه، مورخان مارکسیست انگلیسی، ترجمه عارفه کوسه، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۰۹).

<sup>۲۳</sup> اریک هابسباوم، «شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر، ۱۹۱۴-۱۸۷۰»، جهان‌های کار، (لندن: ۱۹۸۴).

<sup>۲۴</sup> ای. پی. تامپسون، تکوین طبقه‌ی کارگر انگلستان، (لندن: ۱۹۶۳).

<sup>۲۵</sup> ای. پی. تامپسون، «جامعه‌ی قرن هجدهمی انگلستان: مبارزه‌ی طبقاتی بدون طبقه؟»، تاریخ اجتماعی، شماره ۳، می ۱۹۷۸، ص. ۱۶۵-۱۳۳.

<sup>۲۶</sup> جئوف الی، «ادوارد تامپسون، تاریخ اجتماعی و فرهنگ سیاسی: شکل‌گیری عموم طبقه‌ی کارگر، ۱۸۵۰-۱۷۸۰»، رویکردهای انتقادی ای. پی. تامپسون، هاروی جی. کایه و کیث مک‌کلند، (فیلاڈلفیا: تمپل، ۱۹۹۰)، ص. ۲۴.

<sup>۲۷</sup> کرگ کالهن، مسئله‌ی مبارزه‌ی طبقاتی: بنیان اجتماعی رادیکالیسم مردکی در دوران انقلاب صنعتی، (شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۱۹۸۲). کالهن این تز اینک معروف تامپسون که انسان‌ها نه کارگر بلکه پیشه‌ورند را به کار می‌گیرد.

<sup>۲۸</sup> دیوید بلکبورن و جئوف الی، خاص‌بودگی‌های تاریخ آلمان: جامعه‌ی بورژوازی و سیاست در آلمان قرن هجدهم، (آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۸۴).

<sup>۲۹</sup> رابرت برنر، «ریشه‌های کشاورزی سرمایه‌داری اروپایی»، بحث برنز: ساختار طبقاتی زراعی و توسعه‌ی اقتصادی در اروپای پیشاصنعتی، ه. آستون و سی. ایچ. ای. فیلیپین، (کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۹۵). ص. ۳۲۷-۲۱۳ یا الن میکسینزود، فرهنگ ناب سرمایه‌داری: جستاری تاریخی در باب رژیم‌های کهن و حکومت مدرن، (لندن: ورسو، ۱۹۹۱).

<sup>۳۰</sup> ویلیام ه. سول، جونبور. «پیشه‌وران و کارگران کارخانه و شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر فرانسه ۱۸۴۸-۱۷۸۹»، شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر: الگوهای قرن نوزدهمی در اروپای غربی و ایالات متحد، ایرا کاتزنسلون و آریستیده ر. زولبرگ، (پرینستون: انتشارات دانشگاه پرینستون، ۱۹۸۶)، ص. ۵۱-۵۰.

<sup>۳۱</sup> کریستوفر ایچ. جانسون، «الگوهای پرولترسازی: خیاطان پاریسی و کارگران پشم لودو»، آگاهی و تجربه‌ی طبقاتی در اروپای قرن نوزدهم، جان ام. مریمان، (لندن: هولمز و میر، ۱۹۷۹)، ص. ۶۷.

<sup>۳۲</sup> رونالد امین‌زاده، «دگرگونی همبستگی‌های اجتماعی در تولوز قرن نوزدهم»، آگاهی و تجربه‌ی طبقاتی در اروپای قرن نوزدهم، ص. ۱۰۲.

۳۳ «مقدمه»، محل کار پیش از کارخانه: پیشه‌وران و پروتورها ۱۸۰۰-۱۵۰۰، توماس ماکس سفلی و لئونارد ان. روزنباوند، (ایثاکا: انتشارات دانشگاه کورنل، ۱۹۹۳)، ص. ۱۰-۶.

۳۴ رافائل ساموئل، «کارگاه جهان: نیروی بخار و تکنولوژی زمین در بریتانیای دوران ویکتوریایی میانه»، کارگاه تاریخ، شماره ۳، بهار ۱۹۷۷، ص. ۸ و ۳۹. از نظر ساموئل، سرمایه‌داری در قرن نوزدهم به اشکال مختلف رشد یافته بود. ماشینی شدن یک بخش تولید به کاهش ماشینی شدن بخش دیگر تولید منجر شد، ظهور کارخانه‌های بزرگ هم‌زمان با رواج واحدهای تولیدی خرد بود و تمرکز تولید در کارخانه‌ها همپای فرستادن کار به خانه بود. (ص. ۱۷)

۳۵ شری واتر، «کارگران نساجی مبارز دمشق: پیشه‌وران مزدبگیر و جنبش کارگری عثمانی، ۱۹۱۴-۱۸۵۰»، کارگران از عثمانی تا جمهوری ترکیه ۱۹۵۰-۱۸۳۹، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۱۹۹۸)، ص. ۹-۵۵؛ «شاگردان مبارز در دمشق قرن نوزدهم: دلالت‌هایی بر دستور کار تاریخ نیروهای کار خاورمیانه»، کارگران و طبقات کارگر در خاورمیانه: مبارزات، تاریخ‌ها، تاریخ‌نگاری‌ها، (آلبانی: انتشارات دانشگاه دولتی نیویورک، ۱۹۹۴)، ص. ۲۰-۱.

۳۶ در این رابطه اثر قدیمی سردار تورگوت که در مجامع روشنفکری ترکیه انعکاس چندان مهمی نداشت، جالب توجه است: سردار تورگوت: روشنفکر سنت مخالفت: ای. پی. تامپسون، جامعه و علم، شماره ۲۴، زمستان ۱۹۸۴، ص. ۱۱۱-۸۳.

۳۷ ای. اچ. کار، تاریخ چیست، (لندن: پنگوئن، ۱۹۹۰، چاپ اول ۱۹۶۱)، ص. ۳۵.

۳۸ عصمت آکچا، «پروژه‌های هژمونیک در ترکیه‌ی پس از ۱۹۸۰ و اشکال متغیر اقتدارطلبی»، قاب‌بندی مجدد ترکیه: بر ساختن هژمونی نولیبرال، عصمت آکچا، احمد بکمن و باریش آلپ اوزن (مجموعه مقاله)، (لندن: انتشارات پلوتو، ۲۰۱۳)، ص. ۲۳.

۳۹ تورج اتابکی و گاوین دی. بروکت، «تاریخ کار جمهوری ترکیه و عثمانی: یک مقدمه»، مرور بین‌المللی تاریخ اجتماعی، شماره ۵۴، ضمیمه ۱۷، ۲۰۰۹، ص. ۱۷-۱، همچنین بنگرید به گاوین دی. بروکت، «تاریخ اجتماعی و تاریخ‌نگاری ترکیه‌ی مدرن»، گاوین دی. بروکت، به سوی تاریخ اجتماعی ترکیه‌ی مدرن: جستارهایی در نظریه و عمل، (استانبول: نشر لیبرا، ۲۰۱۱).

۴۰ برای آشنایی با ویژگی‌های کلی این دوره بنگرید به ویژه‌نامه‌های نشریه‌ی بریکیم (انباشت): «سال‌های گرگ و میش: دهه‌ی ۸، دهه‌ی ۹۰»، بریکیم، شماره ۱۵۳-۱۵۲، دسامبر ۲۰۰۱-ژانویه ۲۰۰۲.

۴۱ تورگوت اوزوم، تاریخ کنفدراسیون سندیکاهای کارگران دولتی (ک.س.ک)، (استانبول: نشر کالکلدون، ۲۰۱۱)؛ بیلدیریم کوچ-جانان کوچ، تاریخ ک. س. ک. ا، (آنکارا: انتشارات اپوس، ۲۰۰۹)؛ خاطرات تحصن: اعتصاب و راه‌پیمایی معدن کاران زونگولداک، (استانبول: انتشارات متیس، ۱۹۹۲). همین‌جا باید تأکید کرد که این منابع برای کسب اطلاعات از تحولاتی که به آن‌ها اشاره کردم، آثار مرجع‌اند. وگرنه در تاریخ‌نگاری، به‌هیچ‌وجه بازنمای تحولی نیستند که در این مقاله مطرح شد.

۴۲ م. گورکم دوغان، «رادیكال‌زدایی از نیروی کار سازمان‌یافته»، قاب‌بندی مجدد ترکیه: بر ساختن هژمونی نولیبرال، عصمت آکچا، احمد بکمن و باریش آلپ اوزن (مجموعه مقاله)، (لندن: انتشارات پلوتو، ۲۰۱۳)، ص. ۲۰۲-۱۸۸.

۴۳ ای. پی. تامپسون، فقر نظریه، ترجمه نورالدین الحسینی، (استانبول: نشر آلان، ۱۹۹۴).

۴۴ باریش سویدان، آثارشسیسم در ترکیه: تأخیری یک قرنی، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۱۳).

۴۵ متأسفانه در رابطه با جنبش دانشجویی این دوره نیز آثار پژوهشی و ارزیابی‌های چندان وجود ندارد. برای یکی از آثار مهم در این حوزه بنگرید به: کرم اونووار، «کوتاه اما تأثیرگذار، احضای روشنگری: کوردیناسیون»، نشریه بیریکیم، شماره ۲۶۵-۲۶۴، آپریل-می ۲۰۱۱، ص. ۱۷-۱۰.

۴۶ به‌عنوان نمونه‌هایی از آثار دوران گذار می‌توان به این موارد اشاره کرد: ویژه‌نامه‌ی تاریخ کارگری نشریه‌ی کبیکیچ؛ کبیکیچ، شماره ۵، ۱۹۹۷ و متین اوزاغورلو، «تاریخ اجتماعی و طبقه‌ی کارگر یا «همچنین چیزی وجود داشت و ما نوشتیم؟»، مرکب، شماره ۶، ۱۹۹۶.

۴۷ این دغدغه در رأس پژوهش‌های متعددی که دقیق از اسناد استفاده کرده و تحلیل دوره‌ای انجام می‌دهند خود را به‌ناگزیر آشکار می‌کند. برای آشنایی با این انگیزه‌های تئوریک بنگرید به بیثیت آکین، «پوش‌های سیاست طبقه‌ی کارگر در دوران نخست جمهوری ترکیه: زبان، هویت و تجربه»، مرور بین‌المللی تاریخ اجتماعی، شماره ۵۴، ضمیمه ۱۷، ۲۰۰۹، ص. ۱۶۸؛ بیثیت آکین، «سه‌می در تاریخ‌نگاری کار دوران نخست جمهوری: رویکردهای جدید، منابع نوین»، رویکردهای نوین در تاریخ و جامعه، شماره ۲، پاییز ۲۰۰۵، ص. ۷۵-۷۳؛ ای. آتیلا آیتکین، از زمین‌های زراعی تا معادن، از فقر به مبارزه: کارگران حوزه‌ی زغال‌سنگ زونگولداک-اراعلی ۱۹۲۲-۱۸۴۸، (استانبول: نشر یوردام، ۲۰۰۷).

۴۸ ای. پی. تامپسون، تکوین طبقه‌ی کارگر انگلستان، ترجمه‌ی اویگور کوجاباش‌اوغلو (استانبول: انتشارات بیریکیم، ۲۰۰۴) و ای. پی. تامپسون، عوام و آداب و رسوم، ترجمه‌ی اویگور کوجاباش‌اوغلو (استانبول: انتشارات بیریکیم، ۲۰۰۶).

<sup>۴۹</sup> ای. آتیلا آیتکین، همان.

<sup>۵۰</sup> ی. دوغان چتینکایا، *یایکوت ۱۹۰۸ عثمانی: تحلیل یک جنبش اجتماعی*، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۰۴). بعدها هدف اصلی تر دکترایم که در ادامه‌ی این کتاب نگاشته شد نیز حفظ همین رویکرد و برداشت بود: ی. دوغان چتینکایا، *ترکان جوان و جنبش بایکوت: ملی‌گرایی، اعتراض و طبقات کارگر در دوران تکوین ترکیه‌ی مدرن*، (لندن: آی.بی. تاريس، ۲۰۱۴).

<sup>۵۱</sup> باریش آلب اوزدن، «شکل‌گیری طبقه‌ی کارگر در ترکیه، ۱۹۶۲-۱۹۴۶»، *تذکره‌ی منتشر نشده‌ی دکترای، دانشگاه بوغازی‌چی*، آتا، ۲۰۱۱.  
<sup>۵۲</sup> ای. پی. تامپسون، «زمان، انضباط کاری و سرمایه‌داری صنعتی»، *آداب و رسوم مشترک: مطالعاتی در فرهنگ عامیانه‌ی سنتی*، (نیویورک، نیو پرس، ۱۹۹۳)، ص. ۴۰۳-۳۵۲.

<sup>۵۳</sup> در اینجا که بحث طبقه باز شده باید گفت که تأثیر بورديو، یکی از کسانی که باید به آن‌ها اشاره کرد، بر پژوهش‌های تاریخی مرتبط با طبقه در مقایسه با تأثیر تامپسون بسیار حاشیه‌ای‌تر بود. تأثیر بورديو بیشتر در عرصه‌ی جامعه‌شناسی احساس شد.

<sup>۵۴</sup> احمد ماکال، *از عمله تا کارگر: پژوهش‌های تاریخ کار در دوران اولیه‌ی جمهوریت*، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۰۷)، ص. ۳۴. ماکال یکی از نام‌های مهمی است که پیش از ظهور نسل جدید مورخان در این عرصه پژوهش کرده بود اما از اشکال متنوع رویکرد تاریخ اجتماعی که مدتی پیش از آن سر بر آورده بود تأثیر پذیرفته است.

<sup>۵۵</sup> در این رابطه برای نخستین اثر مهم بنگرید به جان ناجار، «طبقه‌ی کارگر در ترکیه در طول دوران جنگ جهانی دوم: در میان سیاست‌های اجتماعی و تجارب روزمره»، *تذکره‌ی منتشر نشده‌ی کارشناسی ارشد*، (دانشگاه بوغازی‌چی، ۲۰۰۴) و ای. توتکو وارداغلی، «سیاست کارگران تنباکو در استان تسالونیک: مناسبات اشتراکی و جنسیتی متقابل»، *تذکره‌ی منتشر نشده‌ی دکترای، دانشگاه بوغازی‌چی*، ۲۰۱۱.

<sup>۵۶</sup> عارف گنیش، *در کرانه‌ی طبقه‌ی کارگر: بررسی کارگران صنایع کوچک*، (آنکارا: نشر دینتوت، ۲۰۰۶).

<sup>۵۷</sup> بیلگه سچین چتینکایا، «تاریخ، سنت و یکم می»، *نشریه مسئله*، شماره ۲۹، می ۲۰۰۹، ص. ۴.

<sup>۵۸</sup> <https://www.facebook.com/notes/emekkoordinasyon-dayanismaagi/emek-koordinasyon-dayanisma>

<sup>۵۹</sup> فوتی بنلیسوی، «هویت‌ها از ستم‌دیدگی تا سوژگی: ستاره‌ی زرد را باغورر حمل کن»، *نشریه گراتا*، شماره ۱، ۲۰۱۳. همچنین بنگرید به فوتی بنلیسوی، «مارش پیروزی تاریخ و جمهوریت»، <http://fotibenlisoy.tumblr.com/post/۶۵۴۱۹۲۷۱۷۶/tarihin-> (zafer-alay-ve-cumhuriyet۶).

## <sup>۶۰</sup> peer-review

<sup>۶۱</sup> «آغازگاه»، *پراکسیس*، شماره ۱، زمستان ۲۰۰۱، ص. ۱. در همین چهارچوب بنگرید به یک مقاله‌ی دیگر با انگیزه‌های مشابه: «حلمی اشتراک‌چی»، *اندیشه‌ی سیاسی در ترکیه‌ی مدرن*، جلد هشتم، چپ، ویراستار مراد گولتکین‌گیل، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۰۷).

## <sup>۶۲</sup> research assistant

<sup>۶۳</sup> در رابطه با ویژگی‌های اصلی این دوره بنگرید به احمد بکمن، «دولت و سرمایه در ترکیه در طول دوران نولیرال»، *بازچه‌ی چوب‌بندی ترکیه: بر ساختن هژمونی نولیرال*، عصمت آکچا، احمد بکمن و باریش آلب اوزدن، (لندن: انتشارات پلوتو، ۲۰۱۳)، ص. ۷۳-۵۸.  
<sup>۶۴</sup> در این دوره اصلی اودمان، یکی از کسانی که در دانشگاه بیلگی استانبول درگیر مبارزات سندیکایی بود از کار اخراج شد. اودمان استاد دانشگاه است که در عرصه‌ی تاریخ پژوهش می‌کند و در عین حال فعال حوزه‌ی سلامت و امنیت شغلی کارگران است. دانشگاه‌های خصوصی نیز در این دوران شاهد ابتکار عمل جدی برای سازماندهی بودند.

<sup>۶۵</sup> نویسنده‌ی این مقاله به عنوان کسی که در این سال‌ها هم دستیار پژوهشی بود و هم دو دوره عضو هیئت اجرایی شعبه‌ی دانشگاهی ششم سندیکای آموزش بود خود به‌شخصه شاهد این دگرگونی و واکنش‌های در پی آن بوده است.

<sup>۶۶</sup> گورکم دوغان که پیشتر به او اشاره کردم یکی از شخصیت‌های مهم این جنبش است. تذکراتی او که در رابطه با تاریخ کار است مستقیماً مفهوم «اقتصاد اخلاقی» تامپسون را در زمینه‌ی جنبش سندیکایی پس از ۱۹۸۰ بررسی می‌کند. گورکم دوغان، «مقاومت کارگری در برابر تنش‌های نولیرالی در فعالیت سندیکایی سنتی ترکیه: ۱۹۹۱-۱۹۸۶»، *تذکره‌ی منتشر نشده‌ی دکترای، دانشگاه بوغازی‌چی*، ۲۰۱۰.

<sup>۶۷</sup> زیرا این نسل از مورخان آخرین نسلی بود که در دانشگاه‌ها عواطف استاد-شاگردی را تجربه می‌کرد. به همین سبب، در اصل همانند واکنش صنعت‌گران، آن‌ها نیز به این روند واکنش نشان دادند. زمان نشان خواهد داد که آیا نسل بعدی تحت شرایط جدید می‌تواند همین واکنش و همین سطح از سازماندهی را از خود نشان دهد یا خیر.

<sup>۶۸</sup>هاکان کوچاک، کارگران شیشه‌بری: روایت طبقه شدن کارگران پاشاباغچه، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۱۴)، ص. ۵۵-۳۳.  
<sup>۶۹</sup>آلپکان بیرالما، مبارزه بر سر نان و حیثیت: مردم‌نگاری سه جنبش کارگری در ترکیه‌ی امروز، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۱۴)، ص. ۱۵.

<sup>۷۰</sup>دوغان چتینکایا، «خطوط کلی مقاومت و بازیگران اجتماعی/سیاسی در تاریخ خاورمیانه (۲۰۱۱-۱۷۹۸)»، *خاورمیانه: مقاومت، انقلاب و امپریالیسم*، دوغان چتینکایا (مجموعه مقاله)، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۱۴).

<sup>۷۱</sup>در این رابطه اشاره به یکی از پژوهش‌های اولیه نیز حائز اهمیت است: عایشه بوغرا، «در باب یک بحران و فروپاشی یک اقتصاد اخلاقی»، *بیریکیم*، شماره ۱۴۵، می ۲۰۰۱ و عایشه بوغرا، «سهمی در تلاش برای فهم یک دگرگونی اجتماعی: خوانش ای. پی. تامپسون در ترکیه‌ی امروز»، *نظم جهانی، انباشت، دولت و طبقات، پیشکشی به کورکوت بوراتاو، احمد هاشم کوسه، فیکرت شنسس، ارینچ یلدان* (مجموعه مقاله)، (استانبول: انتشارات ایلتیشیم، ۲۰۰۳).

<sup>۷۲</sup>ای. پی. تامپسون، «اقتصاد اخلاقی توده‌های انگلستان در قرن هجدهم»، *آداب و رسوم مشترک: مطالعاتی در فرهنگ عامه‌ی سنتی*، (نیویورک: انتشارات نیو پرس، ۱۹۹۳)، ص. ۱۸۸.

<sup>۷۳</sup>حوری جهان اسلام‌اوغلو، «مقررات جدید و اقتصاد سیاسی: اصلاحات نهادی برگرفته از صندوق بین‌المللی پول و قانون توتون»، *نشریه بیریکیم*، شماره ۱۵۸، ژوئن ۲۰۰۲، ص. ۲۷-۲۲.

<sup>۷۴</sup>ای. پی. تامپسون، *ویگ‌ها و شکارچیان: خاستگاه قانون سیاه‌پوشان*، (نیویورک: انتشارات پانتئون، ۱۹۷۵).

<sup>۷۵</sup>آلپ یوجل کایا، «مالکیت نولیبرال یا «سلب‌مالکیت سریع» چیست؟»، *نشریه‌ی جامعه و علم*، شماره ۱۲۲، ۲۰۱۱، ص. ۱۹۷؛ آلپ یوجل کایا، «مالکیت، امنیت و ژاندارم‌ها در از میر اواسط قرن نوزدهم»، *ژاندارم و پلیس: رویکردهایی متقاطع به تاریخ‌نگاری فرانسوی و عثمانی*، نوئمی لوی، نادر اوزبک و الکساندر تومارکین، (استانبول: انتشارات یورت وابسته به بنیاد تاریخ، ۲۰۰۹)، ص. ۶، ۲۰.

<sup>۷۶</sup>نادر اوزبک، «امنیت داخلی، سیاست و دولت در امپراتوری عثمانی: ۱۹۰۹-۱۸۷۶»، *نشریه‌ی پژوهش‌های ترکی*، شماره ۱۶، پاییز ۲۰۰۴، ص. ۶۱.